

تبیین بوم‌شناختی اجتماعی نزاع در مناطق حاشیه‌نشین شهر اراک

عباس خسروانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: هدف از انجام این پژوهش شناسایی و تبیین بوم‌شناختی اجتماعی نزاع در مناطق حاشیه‌نشین شهر اراک است. برای این منظور ۳ مولفه اصلی بوم‌شناختی این محله‌ها یعنی تراکم جمعیت، ناهمگونی جمعیت و تراکم منازل مسکونی شناسایی و تأثیر آنها بر نزاع بررسی شد.

روش: روش پژوهش حاضر پیمایشی بوده و برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری پژوهش ۵۶۷۴۴ خانوار ساکن در ۹ محله حاشیه‌نشین شهر اراک بودند که تعداد ۳۷۹ نفر از این جمعیت به روش نمونه‌گیری سه مرحله‌ای سهمیه‌ای، خوشه‌ای و تصادفی ساده انتخاب شدند. روایی پرسشنامه پژوهش پس از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۰۵ برآورد شد. داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون رگرسیون تحلیل شد.

یافته‌ها: در این پژوهش سطح نزاع در مناطق حاشیه‌نشین، با میزان تراکم و ناهمگونی جمعیت و تراکم منازل مسکونی رابطه معنادار و مستقیمی دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مقدار ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی و ضریب تعیین متغیر نزاع، برابر ۰/۹۹۶ و ۰/۹۹۲ است. به عبارتی مدل رگرسیونی می‌تواند به طور معنادار و مناسبی تغییرات متغیرهای وابسته را پیش‌بینی کند.

نتایج: نتایج تحلیل مسیر نشان داد که اثر عوامل تراکم جمعیت، ناهمگونی جمعیت و تراکم منازل مسکونی بر روی متغیر وابسته تحقیق، معنادار است. راهکارهای اجرایی برای حل مسئله در ۲ بخش بهسازی و نوسازی محله‌ها و تامین مسکن اقشار کم‌درآمد شهری ارائه شد.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشین، نزاع، تراکم جمعیت، تراکم منازل مسکونی، ناهمگونی جمعیت

مقدمه

جهان امروز به سرعت به سمت شهری شدن پیش رفته و می‌رود. گزارش‌های رسمی نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۳ حدود نیمی از جمعیت جهان یعنی جمعیتی بالغ بر ۳ میلیارد نفر در مناطق شهری زندگی می‌کردند و با توجه به فرایند موجود، احتمال اینکه این جمعیت تا سال ۲۰۳۰ به ۳ تا ۵ میلیارد نفر برسد زیاد است. به عبارتی تا سال ۲۰۳۰ چیزی در حدود ۶۰ درصد کل جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی خواهند کرد. نکته مهم این است که بیشتر این جمعیت در کلانشهرهایی ساکن می‌شوند که به کشورهای در حال توسعه معروف‌اند. همچنین در این کلانشهرها، بیشتر جمعیت در مناطق فرودست شهری اسکان می‌یابند. به عبارتی پیش‌بینی می‌شود اگر مواجهه با جمعیت شهری در حال گسترش این کشورها، با برنامه‌ریزی دقیق و مناسبی همراه نباشد، تعداد ساکنان محلات فرودست شهری تا سال ۲۰۳۰ به دو برابر افزایش پیدا کند (برنامه عمل‌هیئات و بانک جهانی، ۱۹۹۹). کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن بیست و یکم میلادی نیز، هشدار داده است که به موازات رشد ابرشهرها، فقر شهری در کشورهای جنوب افزایش یافته و بخش عمده‌ای از رشد شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیررسمی و همراه با گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی صورت خواهد گرفت و این‌گرایش را غیررسمی شدن شهرنشینی نامیده است (هال و پی‌فیف، ۲۰۰۰، ص ۱۲۴).

براساس گزارش هیئات^۲، مناطق شهری در ۳۰ سال آینده مهمترین کانون رشد جمعیت جهان خواهند بود و با این افزایش جمعیت، دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه با چالش نرخ رشد بالای فقر مواجه هستند. این دگرگونی با پدیده شهری شدن فقر همراه بوده به طوری که زمانی، فقر، بیشتر در روستا نمایان بوده و امروزه به فقر شهری تبدیل شده است.

1. Hall & Pfeiff

۲. UN-Habitat: برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد یا برنامه عمران ملل متحد (UNDP)، یا به عبارت دیگر، شبکه‌های

جهانی توسعه ملل متحد، بزرگترین مرجع کمک‌کننده برای توسعه این کشورها در سطح جهان است.

با این افزایش فقر و کمبود مسکن ناشی از آن، شاهد شکل‌گیری هرچه بیشتر سکونت‌گاه‌های غیررسمی هستیم به گونه‌ای که جمعیت جهانی این سکونت‌گاه‌ها تا سال ۲۰۲۰ در حدود ۸۸۹ میلیون تخمین زده شده است (دیویانی^۱، ۲۰۱۱، ص ۳۶).

طی سال‌های اخیر مفهوم امنیت شهری در پیوند با توسعه پایدار شهری مدنظر پژوهشگران و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. از جمله، گزارش جهانی سکونت‌گاه‌های بشر در سال ۲۰۰۷ میلادی، به طور کامل به موضوع امنیت شهری اختصاص یافته و آن را در سه حوزه شامل: امنیت سکونت، امنیت در پیوند با سوانح (طبیعی و انسان ساخت) و امنیت در مقابل جرم و بزهکاری، طبقه بندی کرده است (هیئات، ۲۰۰۷). کلان‌شهرها و شهرهای صنعتی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه بیشترین حجم محله‌های فرودست را در خود جای داده‌اند. این نوع از سکونت که هم در درون و هم در حاشیه کلان‌شهرها ظهور و بروز پیدا می‌کند در تمام ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی با نوع سکونت غالب در شهر تفاوت دارد. عواملی چون بیکاری، فقر، نداشتن مسکن مناسب، قرار گرفتن در انزوای اجتماعی، نداشتن تعلق خاطر و وابستگی به ارزش‌ها، باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و گسترش آسیب‌های شهری در این نقاط شهر شده است. این محله‌ها ضمن اینکه سبب ناهمگونی در سیمای شهری شده‌اند، موجب برهم ریختن تعادل و توازن فرهنگی و گسترش بزهکاری، تعارض، فقر و ناهمگونی اجتماعی جمعیتی و نظایر اینها نیز شده‌اند. کلان‌شهر اراک از جمله شهرهایی است که با این قبیل محله‌ها و عوارض آن رو به روست، به طوری که ضمن تثبیت این محله‌ها و احتمال تبدیل شدن برخی از محله‌های فعلی به مناطق فرودست و حتی احتمال شکل‌گیری محله‌های جدید فرودست، دغدغه و نگرانی مسئولان را دو چندان کرده است.

در محله‌های حاشیه‌نشین، فشارهای ناشی از شرایط زندگی در این مناطق باعث شده که گاه یک اتفاق ساده به منازعه‌ای تبدیل شود. موارد متعددی به پزشکی قانونی اطلاع داده می‌شود

که افراد زیادی در قالب دو گروه بر سر موضوعی که در غالب مواقع اهمیتی ندارد به جان هم افتاده‌اند. درگیری‌هایی که حتی گاهی منجر به معلولیت یا مرگ می‌شود. اتفاقی که در هر صورت امنیت و سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد و عده زیادی را گرفتار می‌کند. «بیشترین مراجعه به پزشکی قانونی مربوط به نزاع است. از ۴۵ هزار و ۱۶۲ پرونده وارده به پزشکی قانونی استان مرکزی در سال ۹۵، ۱۰ هزار و ۶۲۰ پرونده مربوط به مصدومان نزاع و درگیری بوده است» (رضایی، ۱۳۹۵). «میزان مصدومان نزاع در سال جاری نسبت به سال گذشته با هفت هزار و ۱۴۹ نفر بیش از هفت درصد رشد داشته است. از مجموع مراجعان نزاع در سال جاری، پنج هزار و ۲۸۱ نفر مرد و ۲ هزار و ۴۲۱ نفر زن بوده‌اند. شهرستان اراک با چهار هزار و ۵۶ مصدوم، بیشترین و شهرستان آشتیان با ۵۶ نفر کمترین مراجعه‌کنندگان مصدومان نزاع به مراکز پزشکی قانونی این استان بوده‌اند» (رضایی، ۱۳۹۷).

هر چند شرایط کالبدی محلات غیررسمی در ایران از نظر مصالح به کار برده شده، سرانه مسکونی و برخورداری از خدمات اجتماعی و زیربنایی، به وخامت این شرایط در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیست، ولی محرومیت و تبعیض در قیاس با دیگر نواحی شهری و فقر و فساد روزافزون اجتماعی، آنها را کانونی بحرانی و ضد توسعه پایدار انسانی کرده است. مجاورت محله‌های غیررسمی با شهرها در گذشته و امروزه، قرارگیری در بطن کلان‌شهرها، از موانع ایفای نقش کلیدی شهرها در توسعه ملی و پیشتازی آنها در استفاده از فرصت‌های برآمده از جهانی شدن اقتصاد است و جای تردید نیست که در فرآیند جهانی‌سازی، بسیاری از شهروندان به حاشیه رانده شده و بسیاری از حمایت‌های اجتماعی نیز محروم می‌شوند (صرافی، ۱۳۸۱، ص ۶ و داگلاس^۱، ۲۰۰۱، ص ۲۳۶-۲۶۲).

بررسی مشخصات کالبدی و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی این مکان‌ها و سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل

به وجود آورنده و تسهیل کننده ارتکاب جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر بزهکاری، امکان کنترل، پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاری را فراهم می‌آورد (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۷، ص ۷۵).

پدیده نزاع و درگیری در جامعه، از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. شرکت در منازعه یعنی روی آوردن به ضرب و جرح، یعنی دست زدن به جرم علیه اشخاص که پیامدهای حقوقی فراوانی برای افراد به بار می‌آورد. از نظر حقوقی ضرب به صدماتی گفته می‌شود که از هم گسیختگی ظاهری نسوج و خونریزی از بدن را همراه ندارد. پس کسی که در یک نزاع شرکت می‌کند و موجب ایجاد کبودی، تورم، پیچ خوردن مفاصل و خون‌مردگی در بدن طرف نزاع می‌شود از نظر قانون مرتکب ضرب شده است. ضرب به طور معمول با دست یا پا با تمام سنگینی بدن یا با استفاده از ابزاری مثل چوب، آهن یا سنگ اتفاق می‌افتد، اما به هر حال ملاک تشخیص آن، آسیب ظاهری بدون خونریزی است. در مقابل، جرح به آسیب‌هایی گفته می‌شود که با خونریزی ظاهری و بیرونی همراه باشد، مثل وقتی که کسی باعث ایجاد خراشیدگی، بریدگی یا پارگی در بدن فردی می‌شود. پس قطع عضو، سوختگی، شکستگی و بریدگی یا مواردی شبیه این‌ها از انواع جرح هستند. به دلیل تاثیری که درگیری‌ها و منازعات دسته‌جمعی بر امنیت، آسایش و نظم خانواده دارد، قانون‌گذار به صورت جداگانه این مورد را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات حبس در نظر گرفته است. به طوری که طبق ماده ۶۱۵ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ «هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه کنند، هر یک از شرکت‌کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند:

در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود، به حبس از یک تا سه سال؛ در صورتی که منتهی به نقص عضو شود، به حبس از شش ماه تا سه سال و در صورتی که منتهی به ضرب و جرح

شود، به حبس از سه ماه تا یک سال». بنابراین بهتر است افراد قبل از درگیر شدن با هم، کمی به عواقب آن فکر کنند.

ناپایداری حاصل از ناکارآمدی ساختار و عناصر سیستم‌های مناطق شهری در کشورهای جهان سوم، ویژگی‌های اساسی را در این سکونت‌گاه‌ها ایجاد کرده است (ناهیدوزمان^۱، ۲۰۰۶، ص ۴). مهمترین این ویژگی‌ها شامل ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و قانونی است (برنامه مسائل اجتماعی آسیا^۲، ۲۰۰۱). حاشیه‌نشینی، نوعی سکونت در فضای شهری است که در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و حقوقی با سایر انواع سکونت در شهر تفاوت‌های اساسی را نشان می‌دهد (کویت^۳، ۱۹۹۴، ص ۱۱۶). زاهدانی تعریف دیگری را ارائه کرده که عبارت است از «حاشیه‌نشین کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اجتماعی - اقتصادی شهر نشده‌اند» (زاهدانی، ۱۳۵۸، ص ۲). در این پژوهش محله‌های حاشیه‌نشین شهری با ویژگی‌های زیر در نظر گرفته شده است:

- ۱- منطقه‌ای به صورت مسکونی رو به ویران، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها؛
- ۲- تسلط فرهنگ فقر در منطقه؛
- ۳- جدایی‌گزینی توده‌های مردم روستا از جامعه شهری؛
- ۴- گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهری؛
- ۵- مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستا و شهر در حاشیه شهر (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵).

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا تاثیر عوامل بوم‌شناختی مناطق حاشیه‌نشین شهری بر مقوله نزاع بررسی شود و برای کاهش و کنترل نرخ نزاع در این مناطق راهکارهای مناسب

ارائه شود. پرسش اصلی پژوهش این است که بین ویژگی‌های بوم‌شناختی اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین شهر اراک یعنی میزان تراکم جمعیت، ناهمگونی جمعیت و تراکم منازل مسکونی با مقوله نزاع در این محله‌ها چه رابطه‌ای وجود دارد؟

پیشینه: رنگام و ویلسون^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «رفتارهای خشونت آمیز در نیویورک»، چنین بیان می‌کنند: در درگیری‌های دسته جمعی، منافع شخصی یا گروهی برای منزلت، جایگاه و اعتبار اجتماعی، دفاع از همبستگی و انسجام و اتحاد گروهی و قومی قبیله‌ای، فشارهای اقتصادی و شخصی، ساختار خانوادگی، سطح و میزان فقر و تهیدستی از جمله عوامل دخیل به شمار می‌آیند و اغلب مردان حضور چشم‌گیرتری در این نزاع‌ها دارند. براساس پژوهشی که در سال ۱۹۸۱ میلادی در خصوص توزیع فضایی جرم با توجه به نوع کاربری‌ها در شهرها انجام شد، مشخص شد که فعالیت‌های غیرقانونی بیشتر در نزدیکی شریان‌های اصلی حمل و نقل و شاهراه‌ها متمرکز است؛ همچنین، بین میادین اصلی و چهارراه‌ها که دارای عملکردهای گوناگون هستند، میزان بسیار بالایی از جرائم اتفاق می‌افتد (فینس و ویدام^۲، ۱۹۹۷، ص ۱۵).

در سال ۱۹۶۹ میلادی، «جفری» نخستین کسی بود که عبارت «پیشگیری از جرم و جنایت از طریق طراحی محیطی» را به کار برد. او به برنامه‌های طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به منظور کنترل و پیشگیری از جرم تأکید داشته و به نظر وی، مراقبت‌های طبیعی شهروندان از طریق طراحی ساختمان‌ها و فضای شهری، عامل مهمی در کنترل جرائم شهری است. وی بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار بزهکاران قرار می‌دهد تأکید کرده و جرائم گوناگون را ناشی از این فرصت‌ها می‌داند (کونزس، هیلیر و پرسکات^۳، ۱۹۹۹، ص ۱۰ و کلارک^۴، ۱۹۹۷، ص ۳۰).

1. Wrangham & Wilson
2. Fiens & Widom
3. Conzes
4. Clarke

در زمینه تأثیر عوامل محیطی و عوامل اجتماعی نیز دانشمندان بسیاری مانند «پیناتل^۱»، «ساترلند^۲» و «استفانی^۳»، پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. در سال ۱۹۳۵ میلادی، «راسن^۴» با بررسی آمارهای قضایی انگلستان و ولز، پژوهش‌هایی درباره جغرافیای جنایت انجام داد. این دانشمند در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید که تراکم جمعیت، یکی از عوامل افزایش جرم و جنایت است.

مبانی نظری

چارچوب نظری این پژوهش از دیدگاه‌های بوم‌شناختی اجتماعی تشکیل شده است. در نظریه بوم‌شناختی برای توضیح انحرافات اجتماعی بر مفاهیم و متغیرهایی چون تراکم جمعیت و ناهمگونی جمعیت به لحاظ فرهنگی تأکید شده است و در دیدگاه نابسامانی بر ناهماهنگی بین اهداف و ابزارها و میزان ارتباط با بزهکاران تأکید شده و در نظریه‌های فقر به بررسی متغیرهای فرهنگ فقر و تأثیر آن بر انحرافات اجتماعی در محله‌های فرودست شهری پرداخته شده است. «به طور کلی بوم‌شناسان شهری پنج مرحله عمده بوم‌شناختی در شهرها را تشخیص داده‌اند: تراکم، تمرکز، تمرکززدایی، انشعاب و تهاجم» (کوهن^۵، ۱۳۷۰، ص ۲۳۴). بوم‌شناسان سهم عمده‌ای در درک شهر داشته‌اند و برخلاف همه انتقادهایی که به آثارشان شده، کوشیده‌اند تا نظریه‌ای منظم درباره اصول نظم فضایی جمعیت‌ها و نهادها که حاصل کنش متقابل موجودات زنده در فرهنگ پیوسته در حال تغییر شهری است، ارائه دهند (ممتاز، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴).

در سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۴۲ میلادی، مفاهیم بوم‌شناسی شهری که در مکتب شیکاگو پایه‌گذاری شده بود به وسیله دو پژوهشگر برجسته به نام «شاو» و «مک‌کی» به کار گرفته

1. Pinatel
2. Edwin Hardin Sutherland
3. Stephanie
4. Rasen
5. Cohen

شد. ایشان به بررسی ارتباط امواج پی در پی مهاجرت و پدیده مجرمانه پرداخته و حرکت مهاجران را ابتدا به مناطق فقیرنشین مرکز و سپس به مناطق حاشیه‌ای مدنظر قرار دادند. این پژوهشگران با استفاده از ویژگی‌های زیست محیطی شهر، نتیجه بررسی‌های خود را به این شرح منتشر کردند:

- بالاترین نرخ جرم و جنایت در مکان‌هایی است که در آنجا خانه‌های اجاره‌ای ارزان قیمت بیشتر است؛

- مجرمان بیشتر در محلاتی زندگی می‌کنند که در آنجا مجرمان با سابقه، حضور بیشتری دارند؛

- جرم و جنایت از الگوهای اجتماعی و فیزیکی شهر پیروی می‌کند؛ به بیان دیگر، وجود نارسایی در پلیس و دادگستری و بخش‌های رو به ویران شهر، زمینه‌های مساعدی برای ارتکاب جرم فراهم می‌سازد (کلانتری، ۱۳۸۰، ص ۵۶).

براساس نظریات مکتب شیکاگو، بالا بودن نرخ جمعیت ناپایدار در یک حوزه جغرافیایی و ناهمگونی جمعیت، عوامل مهمی در شکل‌گیری یک محیط اجتماعی بی‌ثبات هستند که اثرات زیان‌باری بر نظام اجتماعی محیط مسکونی بر جای می‌گذارد. «پارک^۱ و همکارانش در پژوهش‌هایی که به انجام رسانده‌اند به این نتایج دست یافتند که: ۱- شهر مکانی مملو از جمعیت و تنوع فرهنگی است؛ ۲- جامعه شهری از نظام اجتماعی همگون و یگانه بی‌بهره است؛ ۳- فاصله طبقاتی از ویژگی‌های بارز شهر است؛ ۴- شهر از نرخ بالای مهاجرت برخوردار است و ۵- در شهر نرخ وقوع جرائم بالا است» (محسنی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰).

همچنین ارنست برگس^۲ معتقد است که سطح بالای تراکم و تحرک جمعیت، باعث بروز انحرافات اجتماعی در مناطق انتقالی می‌شود که همان منطقه ۲ در نظریه اوست. پژوهش‌های ارنست برگس و لوئیس ویرث^۳ در قالب مکتب شیکاگو، بیشتر پیرامون

1. Park
2. Ernest Burgess
3. Louis Wirth

شهرهای ایالات متحده بود. از نظر این دو محقق، حرکت طبقات بالا از مرکز شهر به سمت خارج در اثر شلوغی، افزایش تراکم و رشد و هجوم گروه‌های فقیر تازه وارد و گروه‌های نژادی به جای آنها و تنزل شرایط ساختمانی در اثر کم‌توجهی مالکان، به علت دریافت اجاره بهاء پایین، باعث شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین می‌شود. در مکتب شیکاگو نیز، اثر حاشیه‌نشینی بر میزان جرم و جنایت بیان شده است (هارالامبوس^۱، ۱۹۹۰، ص ۵۹۵).

لویس ویرث نیز در نظریه خود معتقد است که افزایش تراکم جمعیت و ناهمگونی جمعیت، روابط بین افراد را کاهش می‌دهد که خود به افزایش آزادی‌های فردی منجر خواهد شد و در نهایت این وضعیت به نابسامانی اجتماعی و انحرافات اجتماعی منتهی می‌شود. ویرث معتقد بود: «هرچه جمعیت بزرگتر باشد جدایی‌های فضایی بر مبنای نژاد، قوم و منزلت بیشتر خواهد شد. جدایی فضایی در شهر باعث سست شدن پیوندهای همسایگی و احساساتی می‌شود که جوامع کوچک از آن برخوردارند. ضعیف شدن پیوندها باعث تقویت رقابت و ضرورت حضور نظارت رسمی می‌شود» (گیدنز^۲، ۱۳۷۳، ص ۶۰۶).

زیمل^۳ هم ناهمگونی شهرها را به دلیل هجوم مهاجران و مردمانی با ریشه‌های قومی و فرهنگی و نژادی، موجب بروز ناهمگونی و تضاد در درون شهرها می‌داند و همین امر نابرابری‌ها و تضادها را افزایش می‌دهد و به دنبال آن آسیب‌های مختلف اجتماعی مثل سرقت و قتل در شهرها گسترش می‌یابد. «به نظر زیمل، تماس فیزیکی نزدیک بین افراد متعدد، لزوماً تغییراتی را در وسایل، برای برقراری ارتباط با محیط شهری و به خصوص با افراد دیگر به همراه دارد» (زیمل، ۱۳۷۲، ص ۲۲).

ردنی استارک^۴ نیز تراکم جمعیت و سکونت افراد زیاد در یک منطقه کوچک را یک ویژگی ساختاری می‌داند که به بی‌سامانی اجتماعی و در نهایت بروز انحرافات اجتماعی

1. Haralambos
2. Giddens
3. Simmel
- 4 Rodney William Stark

منجر می‌شود. سامپسون^۱ و گروزیک نیز معتقدند طبق مدل علی که طراحی کرده‌اند ساختار محله یعنی همگونی قومی و تحرک سکونت، در سازمان اجتماعی تأثیر دارد و از نظر آن‌ها سازمان‌های اجتماعی سطح جرم و بزهکاری را تعیین می‌کنند. «استارک مانند جامعه‌شناسان اولیه مکتب شیکاگو، معتقد است که ابعاد اساسی بی‌سازمانی اجتماعی، الگوهای سنتی زندگی اجتماعی را در هم می‌شکنند. وی این شکست را به عنوان افول در نظم اخلاقی محله می‌بیند» (بورفیند و بارتوچ^۲، ۲۰۰۶، ص ۴۷۳).

کاساردا و لیندسی^۳ (۲۰۱۱) تأکید دارند که افزون بر فقر، نابسامانی اجتماعی با آسیب‌شناسی شرایط اجتماعی نیز ارتباط دارد. نواحی نابسامان، مناطقی هستند که آمارهای رسمی به طور همزمان نشان دهنده سطح عنان گسیخته و فقر بالا، بیکاری، خانوارهای زن سرپرست و دریافت کنندگان رفاه هستند. مری هاچ رزمایر^۴ و همکاران با بررسی وضعیت مشکلات سکونت‌گاه‌های غیررسمی در آفریقای جنوبی معتقدند: به دلیل حمایت ناکافی دولت و مسئولان شهری در تأمین حقوق شهروندی برای ساکنان حاشیه‌نشین، آنها از وضعیت تخلف آشکار از قوانین به فقدان آن تغییر کرده‌اند؛ به طوری که بزهکاری، فقر، بیکاری، نبود دسترسی به فرصت‌های زندگی، گریز از قانون و مشارکت نکردن در طرح‌ها و برنامه‌های بهسازی و مشارکتی، به یک عادت روزانه زندگی در آنها درآمده است. (حاتمی‌نژاد و حسین اغلی، ۱۳۷۸، ص ۱۱). در سال ۱۹۶۸ انگلز^۵ در بررسی جرائم خیابانی کالیفورنیا، ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات کرد. وی همچنین به افزایش جرم و تراکم فعالیت‌ها در خیابان‌های شهر معتقد بود (کلانتری، ۱۳۸۰، ص ۸۰).

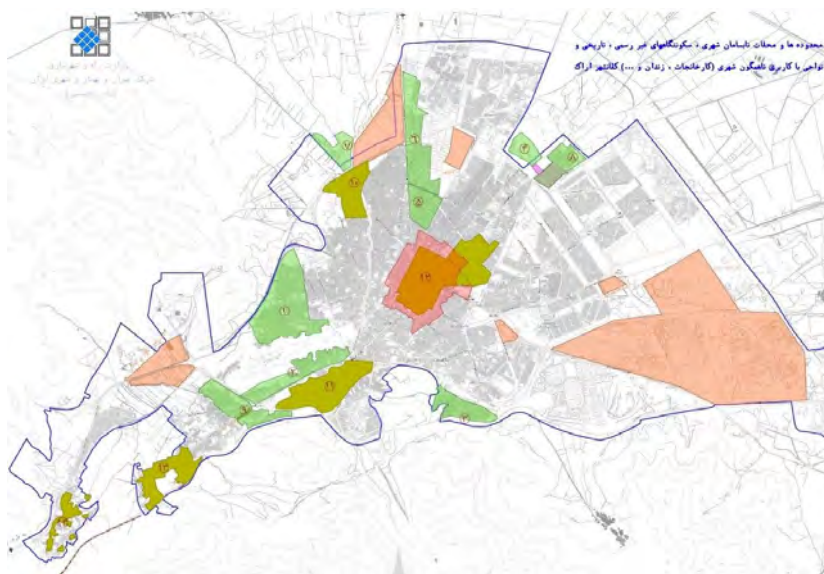
کشورهای در حال توسعه در حالی وارد هزاره جدید شده‌اند که مسائل و مشکلات شهری بسیاری به ویژه در فضاهای شهری آنها حاد شده است. پویایی اکولوژیک (اقتصادی و

1. Sampson
2. Burfeind and Bartusch
3. Kasarda & Lindsay
4. Huchzermeyer
5. Engels

اجتماعی) و مورفولوژیک (کارکردی و کالبدی) شهری در کنار فقدان چارچوب‌های هدایت‌کننده از طریق بخش عمومی برای توسعه سکونت‌گاه‌ها، سدی برای توسعه پایدار در مناطق در حال رشد شهری در کشورهای در حال توسعه است. بر اساس این نظریه «اگر شهرها به صورت مناسب، منطقه‌بندی و توسعه نیابند، زمینه برای ساخت و ساز غیرمجاز فراهم شده و محله‌های زاغه‌نشین پدید خواهد آمد و اگر زمینه‌ای مناسب برای خانه‌سازی، کاربری صنایع و یا دیگر موارد کاربری اختصاص یابد، ممکن است محله‌های فقیرنشین شکل بگیرند» (کریم‌زاده، خالقی و والئی، ۱۳۹۸، ص ۳۴).

از نظر رویکرد بوم‌شناسی اجتماعی، مهمترین مسئله مرتبط با حاشیه‌نشینی و محله‌های فرودست شهری این است که با وجود گذشت چندین دهه از شکل‌گیری این نوع سکونت‌گاه‌ها در شهرها، همچنان از فرسودگی عناصر کالبدی که بدون بسترهای برنامه‌ریزی شده شکل گرفته و همچنین ازدیاد دامنه مسائل زیست محیطی ناشی از توسعه نیافتگی محیطی سکونت‌گاه و در کنار آن محدودیت توان دولتی در ساماندهی این سکونت‌گاه‌ها، رنج می‌برند. به طور کلی، بافت‌ها و سکونت‌گاه‌های غیررسمی را می‌توان محدوده‌هایی فضایی دانست که از یک طرف جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر مادر نشده‌اند و از طرف دیگر مسائل و مشکلات کالبدی و ساختاری خاصی دارند که آنها را از سایر بافت‌های شهری متمایز می‌کند. در فرآیند تعیین و معرفی این سکونت‌گاه‌ها، فقط شاخص‌های کالبدی مدنظر نبوده و به شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی، زیست محیطی و زیربنایی نیز توجه می‌شود (رحیمی و عزیزی، ۱۳۹۶، ص ۲۰).

ساخت و سازهای غیر مجاز و ایجاد مناطق مسکونی حاشیه‌نشین که دیر یا زود ساکنان آن سهم خود را از امکانات شهری طلب خواهند کرد، مشکلاتی را برای مدیریت شهری و به ویژه شهرداری‌ها ایجاد می‌کند. اختلال در شبکه آمد و شد شهری، افزایش بیماری‌ها، آلودگی محیط زیست شهری، نارسایی در شبکه آب و فاضلاب و بسیاری مشکلات دیگر، از جمله پیامدهای حاشیه‌نشینی بر پیکره شهری خواهند بود (عنابستانی، ۱۳۸۹، ص ۶۶).



شکل ۱. قلمرو جغرافیایی پژوهش (وزارت راه و شهرسازی)

در این پژوهش تلاش شد تا تاثیر ویژگی‌های بوم‌شناختی اجتماعی محله‌های حاشیه‌نشین شهر اراک بر بروز نزاع از طریق پژوهشی پیمایشی سنجش شود و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت موضوع، کلیه خانوارهای ساکن در ۹ محله حاشیه‌نشین شهر اراک هستند که تعدادشان براساس آمار شهرداری اراک در سال ۹۰، ۵۶۷۴۴ خانوار گزارش شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش ۳ مرحله‌ای سهمیه‌ای، خوشه‌ای و تصادفی ساده است. براساس رابطه کوکران، حجم نمونه برابر است با ۲۷۹ خانوار که این محاسبه با سطح خطای ۵ درصد صورت گرفت. برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری پژوهش، از ۳ نوع اعتبار صوری، محتوی و سازه‌ای استفاده شد. پایایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها، با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۰۵ به دست آمد که پایایی قابل قبولی را نشان می‌دهد. در این پژوهش برای توصیف داده‌ها از

جداول فراوانی، درصدها و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شد. همچنین برای تحلیل نتایج به دست آمده از ضرایب همبستگی، به خصوص ضریب همبستگی کندال و همچنین از تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر نیز استفاده شد. قلمرو مکانی پژوهش، ۹ منطقه حاشیه‌نشین شهر اراک بود که در شکل ۱، با رنگ سبز کم‌رنگ مشخص شده است.

یافته‌ها

نتایج توصیفی: در پژوهش حاضر، ۷۶ درصد شرکت‌کنندگان را مردان و ۲۴ درصد را زنان، ۷۶ درصد را میانسالان و ۲۴ درصد را جوانان، ۳۷/۷ درصد آنان را شاغلان موقت، ۲۴/۸ درصد را بیکاران و ۳۳/۵ درصد را شاغلان دائمی تشکیل می‌دهند. همچنین ۱۳/۷ درصد زیر دیپلم، ۵۵/۹ درصد پاسخگویان دارای مدرک دیپلم و کاردانی، ۲۰/۱ درصد دارای مدرک کارشناسی و ۱۰/۳ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند. ۳۹/۱ درصد پاسخگویان متولد روستا، ۳۳/۵ متولد اراک و ۱۶/۴ درصد متولد سایر شهرستان‌های استان و ۱۱/۱ درصد متولد خارج استان هستند. ۷۶ درصد آنان متأهل و ۲۴ درصد مجرد بودند. سایر متغیرهای مستقل و وابسته به شرح جدول زیر هستند:

جدول ۱. توصیف متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
تراکم جمعیت	۷۲/۸	۲۰/۳	۵/۵	۳/۱	۰
ناهمگونی جمعیت	۷۲/۶	۱۳/۷	۱۲/۷	۱/۱	۰
تراکم منازل مسکونی	۸۳/۱	۱۰/۳	۶/۶	۰	۰
نزاع	۶۲/۳	۱۴/۵	۹/۵	۱۳/۷	۰

تحلیل استنباطی داده‌ها: رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته در قالب ۳ فرضیه بررسی

شد.

فرضیه اول: بین میزان تراکم جمعیت در مناطق حاشیه‌نشین شهر اراک و نزاع در این محله‌ها رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین ناهمگونی جمعیت در مناطق حاشیه‌نشین شهر اراک و نزاع در این محله‌ها رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین تراکم منازل مسکونی مناطق حاشیه‌نشین شهر اراک و نزاع در این محله‌ها رابطه وجود دارد.

جدول ۲. ماتریس دو بعدی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرهای نزاع	سطح معناداری	رد فرضیه	تایید فرضیه
تراکم محل سکونت	کندال تاؤوسی	۰/۰۰۰	*
ناهمگونی جمعیت	کندال تاؤویی	۰/۰۰۰	*
تراکم منازل مسکونی	کندال تاؤوسی	۰/۰۰۰	*

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بین سه متغیر تراکم محل سکونت، ناهمگونی جمعیت و تراکم منازل مسکونی با متغیر نزاع، رابطه معناداری وجود دارد.

براساس فرضیه‌های پژوهش، بین سه متغیر تراکم محل سکونت، ناهمگونی جمعیت و تراکم منازل مسکونی مناطق حاشیه‌نشین شهر اراک و نزاع رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش نشان داد که بیشتر پاسخگویان، میزان مولفه‌های بوم‌شناختی اجتماعی محل سکونت خود را خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند و از سوی دیگر، رابطه بین مولفه‌های بوم‌شناختی اجتماعی در محله‌های حاشیه‌نشین اراک با نزاع، رابطه معناداری است و همبستگی بالایی بین آنها وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره پژوهش: مقدار ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی و ضریب تعیین متغیر نزاع برابر $0/996$ و $0/992$ است. یعنی ۹۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. ضمناً با توجه به آزمون F و اینکه سطح معناداری محاسبه شده برای این آماره برابر $0/000$ بوده و نشان از معنادار بودن رگرسیون در سطح $0/99$ دارد، بنابراین مدل رگرسیونی خطی برآورد شده پذیرفته می‌شود. به عبارتی، مدل رگرسیون می‌تواند به طور معناداری (و مناسبی) تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کند.

تحلیل مسیر: همانگونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود با توجه به مقدار سطح معناداری که در همه حالات، کمتر از ۵ صدم است، نشان می‌دهد که اثر عوامل تراکم جمعیت محل سکونت، ناهمگونی جمعیت و تراکم منازل مسکونی، بر متغیر وابسته که نزاع است، معنادار است.

جدول ۴. تحلیل مسیر متغیر وابسته نزاع بر اساس متغیرهای مستقل

سطح معناداری	مقدار تی	ضریب		مدل
		استاندارد	ضرایب غیر استاندارد	
		ضریب بتا	خطای استاندارد	مقدار بتا
$0/000$	$-64/079$		$0/052$	$-3/330$
$0/000$	$6/058$	$0/055$	$0/015$	$0/093$
$0/000$	$4/889$	$0/052$	$0/016$	$0/076$
$0/000$	$5/269$	$0/037$	$0/014$	$0/073$

به عبارت دیگر تغییر در سطوح ۳ متغیر مستقل، باعث تغییرهای معنادار در متغیر وابسته می‌شود. بنابراین در اینجا می‌توان قضاوت کرد که متغیر تراکم جمعیت، بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر وابسته دارد، به طوری که یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می‌شود تا انحراف معیار نزاع به اندازه ۰/۰۵۵ تغییر کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که محله‌های حاشیه‌نشین شهر اراک به دلیل برخورداری از ویژگی‌های خاص بوم‌شناختی اجتماعی، از زمین‌ها و بسترهای لازم برای بروز نزاع برخوردارند. البته این ادعا به معنای مجرم بودن یا منحرف بودن ساکنان این مناطق نیست. نتایج پژوهش نشان داد که هرچه تراکم جمعیتی و ناهمگونی جمعیت و تراکم منازل مسکونی در یک محله بیشتر باشد، بروز نزاع در آن محله‌ها بیشتر خواهد بود. براساس نظریه‌های مکتب شیکاگو، بالا بودن نرخ جمعیت ناپایدار در یک حوزه جغرافیایی و ناهمگونی جمعیت، عوامل مهمی در شکل‌گیری یک محیط اجتماعی بی‌ثبات هستند که اثرات زیان‌باری بر نظام اجتماعی محیط مسکونی بر جای می‌گذارد. براساس نظر رابرت پارک، تراکم جمعیت از ویژگی‌های مناطق شهری هستند که با جرم، بزهکاری و انحراف‌های اجتماعی رابطه دارد؛ به طوری که هرچه تراکم و تحرک جمعیت در یک منطقه بیشتر باشد، میزان وقوع جرم و انحراف‌های اجتماعی نیز در آنجا بیشتر خواهد بود. پارک و برگس بر این باور بودند چنان‌چه اقلیت‌های فرهنگی و نژادی مهاجران، از فرهنگ متجانس خود جدا شده و به عنوان یک خرده فرهنگ وارد سکونت‌گاه‌های فقیرنشین شوند؛ در شهرهای صنعتی این فرآیند تبدیل گروه‌های اقلیت به خرده فرهنگ، همراه با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین ساکنان و سکونت در زاغه‌نشین‌های شهر، منتهی به ایجاد یک خرده فرهنگ بزهکارانه و شیوع جرم و جنایت خواهد شد.

پیشنهادها

با توجه به چارچوب نظری و سیاست توانمندسازی و برای پوشش ۳ متغیر مستقل پژوهش که نقش اساسی در به وجود آمدن نزاع در محله‌های حاشیه‌نشین شهر اراک داشتند، راهکارها و پیشنهادهای کاربردی ارائه شده است. راهکارهای کاربردی، حول مقوله بهسازی و نوسازی کالبدی تدوین شده‌اند. البته پیش شرط و پیش زمینه موفقیت در این حوزه، به مشارکت طلبدن ساکنان و بسترسازی برای حضور آنان در طرح‌ها و برنامه‌ها است. در راهکارهای نوین ارائه شده در راستای بهبود وضعیت این اسکان‌ها، تأکید ویژه‌ای بر مشارکت اجتماعی ساکنان و یکپارچگی فضایی شهر با این سکونت‌گاه‌ها شده است. در این زمینه، بر مشارکت اجتماع محلی بسیار تأکید شده است، چنان‌که بدون مشارکت فعال ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی، اقدامات بهسازی، نقض‌کننده اصول مندرج در منشور جهانی حق به شهر است (جورداس لیبر و سولیکیل دی وت، ۲۰۱۳، ص ۴).

بازآفرینی و بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی، مجموعه‌ای از اقداماتی است که در اجرای آنها نباید تنها و یک‌جانبه بر مسائل کالبدی تمرکز کرد و از مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی غافل شد. زمانی که صحبت از مشارکت می‌شود، باید تمهیداتی را در نظر گرفت که ساکن محله‌های فرودست شهری، خودش را یک شهروند بداند و احساس مالکیت کند و نسبت به مسائل حساسیت داشته باشد.

عناصر اصلی این رویکرد مشتمل بر پذیرش سکونت‌گاه‌ها و خدمات‌رسانی به آنها، بهبود تدریجی مسکن موجود از طریق ارتقای امنیت سکونت‌گاه‌ها و بهره‌گیری از منابع خانوار، ظرفیت‌سازی در مدیریت شهری و تأکید بر فعالیت‌های نرم‌افزاری و توانمندسازی جماعت‌ها هستند (هیئات، ۲۰۰۳، a۲۰۰۶ و b۲۰۰۶). یکی از مسائل مهم و اساسی در برنامه‌ریزی توسعه اجتماع محلی، درک نیاز و توانمندی‌هایی است که در سطح محلی، ضرورت اقدام را توجیه می‌کند یا به عبارتی ظرفیت جامعه محلی است که زمان و مکان

اجرای راهبرد توسعه اقتصاد محلی را تعیین می‌کند. ظرفیت اجتماع محلی عبارت است از قابلیت و توانمندی اجتماع محلی برای شناخت، گسترش توانمندی انسانی، فرصت‌های اقتصادی، مناسبات اجتماعی و منابع اکولوژیک در راستای بهبود پایداری اجتماع. (ایراندوست، ۱۳۸۷، ص ۴۸).

براساس این دیدگاه دولت‌ها زمینه‌ها و تسهیلات بهبود شرایط فقرا را شکل دادند و این جماعت‌های فقیر هستند که خود به عنوان نقش‌آفرین اصلی راه ارتقای خود را می‌یابند. در واقع توانمندسازی در این حوزه، ایجاد چارچوب‌های قانونی، نهادی، اقتصادی، مالی و اجتماعی برای افزایش کارایی اقتصادی و کارآمدی اجتماعی در توسعه بخش مسکن فقرا است (پوگ^۱، ۲۰۰۵، ص ۳۲۸).

برخی از راهکارهای بهسازی و نوسازی کالبدی محله‌های حاشیه‌نشین شهری عبارت‌اند از:

- اگرچه طی سال‌های گذشته اقدامات خوبی برای تامین نیازهای زیربنایی این محله‌ها از سوی دولت و شهرداری‌ها انجام گرفته و این محله‌ها از امکاناتی چون آب لوله‌کشی، برق، گاز و تلفن برخوردارند اما با وجود تأمین این زیرساخت‌ها، این سکونت‌گاه‌ها فاقد حداقل مراکز و فضاهای خدماتی، آموزشی، درمانی، انتظامی، فضای سبز و فرهنگی هستند. اراضی پیرامون این محله‌ها نیز که با سکونت خانوارهای کم درآمد و شهری شدن محیط، افزایش قیمت می‌یابد، در نتیجه رشد سوداگری زمین، دچار تفکیک و دادوستدهای بی‌برنامه شده و در چشم‌انداز توسعه مسکونی، فضاهای خدماتی و معابر مناسب دیده نمی‌شود، بنابراین می‌توان برای ارتقاء سطح این سکونت‌گاه‌ها پیشنهادهایی ارائه کرد:

- ساماندهی جمع‌آوری زباله از سطح محله‌ها؛
- جدول‌گذاری خیابان‌ها و کوچه‌ها؛
- اجرای طرح فاضلاب در محله‌ها؛

- بهسازی معابر عمومی و پیاده‌روها؛
- تقویت سیستم روشنایی معابر؛
- گسترش پارک‌ها و فضای سبز؛
- تسهیل معابر اتصال محلات به مرکز شهر؛
- ارائه خدمات ناوگان عمومی و تاسیس ایستگاه‌های اتوبوس واحد و تاکسیرانی.



منابع

- ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۷). جایگاه بخش غیر رسمی در توانمندسازی اجتماعات فقیر. نشریه هفت شهیر، ۲(۲۳ و ۲۴)، صص ۴۰-۴۹.
- بختیاری، تقی؛ هاشمی، حمید و سیدی، سید عباس. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر حاشیه‌نشینی بر جرائم اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان مشهد). فصلنامه انتظام اجتماعی، ۵(۲)، صص ۱۳۷-۱۶۲.
- حاتمی نژاد، حسین و حسین اغلی، جواد. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی برخی شاخص‌ها در سکونت‌گاه‌های غیررسمی اطراف کلانشهر تهران (مطالعه موردی: حصار امیر و شهرک انقلاب). نشریه علوم جغرافیایی، ۹(۱۲)، صص ۷-۲۹.
- رحیمی، لیلا و عزیزی، طیبه. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط بین کیفیت کالبدی مسکن و شاخص‌های امنیت تصرف در مناطق حاشیه‌نشین (موردشناسی: محله وکیل آباد شهر ارومیه). جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، ۷(۲۵)، صص ۲۰۳-۲۲۲.
- رضایی، علی. (۱۳۹۵). بیشترین مراجعات به پزشکی قانونی استان مرکزی در رابطه با نزاع است. خبرگزاری خبر آنلاین. کد خبر ۵۵۰۳۳۹. بازدید شده در تاریخ: ۹۸/۱۰/۱۲.
- رضایی، علی. (۱۳۹۷). بیش از هفت هزار مصدوم نزاع به پزشکی قانونی استان مرکزی مراجعه کردند. خبرگزاری ایرنا استان مرکزی، کد خبر: ۸۳۱۶۲۴۳۶. بازدید شده در تاریخ: ۹۸/۱۰/۱۲.
- زاهدانی، سید سعید. (۱۳۵۸). حاشیه‌نشینی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

- زیمل، گنورگ. (۱۳۷۲). کلانشهر و حیات ذهنی. یوسف ابازری، مترجم. *نامه علوم اجتماعی*، (۳(۶)، صص ۵۳-۶۶.
- سختوت، جعفر (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱). به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیر رسمی. *فصلنامه هفت شهر*، ۳(۹-۱۰)، صص ۵-۱۱.
- عابدین درکوش، سعید. (۱۳۷۲). *درآمدی به اقتصاد شهری*. چاپ دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عنابستانی، علی اکبر و عنابستانی، زهرا. (۱۳۸۹). راهبردهای کالبدی کنترل حاشیه نشینی در شهر سبزوار. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، (۱)، صص ۶۵-۸۴.
- کریم زاده، حسین؛ خالقی، عقیل و والئی، محمد. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی اجتماعی حاشیه نشینی کلانشهر تبریز با رویکرد توانمندسازی. *فصلنامه توسعه فضاهای پیراشهری*، (۲)، صص ۱۵-۳۴.
- کلانتری، محسن و توکلی، مهدی. (۱۳۸۶). شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهری. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، (۲)، صص ۷۵-۱۰۰.
- کلانتری، محسن. (۱۳۸۰). *بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران*. پایان نامه دکتری رشته جغرافیا (گرایش برنامه‌ریزی شهری). دانشکده جغرافیا. دانشگاه تهران.
- کوهن، بروس. (۱۳۷۰). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*. محسن ثلاثی، مترجم. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*. منوچهر صبوری، مترجم. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- محسنی، رضاعلی. (۱۳۸۷). توصیف نظری جرایم و آسیب‌های شهری، رویکردی جامعه‌شناختی. *فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان*، شماره ۱۲.
- محسنی، رضاعلی. (۱۳۸۹). نسبت حاشیه نشینی با جرم و آسیب‌های اجتماعی: راهبردهای پیشگیری. دومین همایش نقش دانش و دانشگاهیان در پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی.
- ممتاز، فریده. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی شهر*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- Asian Social Issues program*. (2001). <http://www.asiasource.org/asi/about.CFM>
- Burfeind, W, James & Dawn Bartusch. (2006). *juvenile delinquency: an integrated approach*, Janes and Bartlett publishers.
- Clarke, R. (1997). *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, 2nd Edition, New York: Harrow and Hetson.
- Coit, K. (1994) Self-help housing for the poor: A cross-cultural study. *Cities*, 11(2), pp 115-124.
- Conzes, P. M., Hillier, D. & Prescott, G. (1999). Crime and the Design of New Build Housing and Country Planning. *Town & country planning*, 2(11), pp 231.
- Divyani, K. (2011). An ontology of slum for image-based classification. *Computers, Environment and Urban Systems*, 36(2), pp 154-163.
- Douglass, M. (2001). *Intercity Competition and the Question of Economic Resilience: Globalization and Crisis in Asia in: Global City- Regions*. A. J. Scott. Oxford University Press.
- Fiens, J. D. Epstein, J. C. and Widom, R. (1997). *Solving Crime Problems in Residential Neighborhoods: Comprehensive Change in Design, Management and Use*. National institute of justice. Us Department of justice.
- Hall, P & Pfeiffer, U. (2000). *Urban*. E & FN spon.
- Jordhus-Lier. D & Tsolekile de Wet. P. (2013). *City Approaches to the Upgrading of Informal Settlements*. POLICY BRIEF, 10.

- Kasarda, J. D., & Lindsay, G. (2011). *Aerotropolis: The Way We'll Live Next*. Farrar, Straus and Giroux. Habitat International.
- Nahiduzzaman, kh. (2006). *Housing the Urban Poor: Planning, Business and Politics, A Case Study of Duaripara Slum*, Dhaka city, Bangladesh.
- Pugh, Cedric. (2005). Squatter Settlements, Their Sustainability, Architectural Contributions, and Socio – Economic Roles. *Cities*, 17(5), pp 325-337.
- UN-HABITAT. (2003). *The Challenge of Slums: Global Report on Human Settlement*. London: Earthscan.
- UN-HABITAT. (2007). *Global Report on Human Settlements 2007: Enhancing Urban Safety and Security*. London: Earthscan.
- World Bank. (1999). *Poverty reduction strategies Papers PRSP Sourcebook*, Chapter 16: Urban Poverty Deniz Baharoglu and Christine Kessides.
- Wrangham, Richard W. & Wilson, Michael L. (2004). Collective Violence: Comparisons between Youths and Chimpanzees. *Annals New York Academy of Sciences*, 1036(1), pp 233-256.



